www.aminnews.ir aminnewspaper1376 روزنامه سراسری وکثیرالانتشار صبح ایران قیمت ۱۰۰۰۰ تومان aminnewsagency amine.mardom@yahoo.com



شگفتانه‌های ما در موج سوم جنگ دنیا را متعجب می کند

امین



توافق عرشستانه تسلیم نیست

PDF Compressor Free Version

یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ / ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ هـ. ق / 8 November 2026 / شماره ۷۳۴۷ / سال بیست و نهم



دیدار در کرملین

یادداشت

این سرود ملی

* نسیبه پیرایش

واکنش عادل فردوسی‌پور و علی دایی به پخش سرود ملی در مراسم ختم حمید علیدوستی، واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی به دنبال داشته و بحث‌های تازه‌ای درباره مفاهیمی مثل وطن‌پرستی، بی‌احترامی به نمادهای ملی، بی‌غیرتی و خیانت به راه انداخته است. البته این موضوع تازه‌ای نیست؛ پیش از این نیز در جریان بازی‌های جام جهانی ۲۰۲۲ شاهد همین تقابل بودیم.

اما در فضای دوقطبی امروز جامعهٔ ایران، هر چیزی می‌تواند به معیاری برای سنجش وفاداری به حاکمیت و مخالفت با آن تبدیل شود؛ از جمله نمادهای ملی مثل سرود و پرچم. حالا پرسش اصلی این است: این نمادها، نماد حاکمیت هستند یا نماد کشور و ملت؟

سرود ملی در اصل نماد ملت است، نه دولت و حکومت مستقر. اما در ایران، با اصرار حاکمیت بر انحصاری سازی نمادها، متن سرود از طلوع، ایمان، انقلاب، استقلال، آزادی و شهیدان عبور می‌کند و در نهایت خواستار پایندگی و جاودانگی «جمهوری اسلامی ایران» می‌شود. یعنی سرود، بیش از آنکه نماد ایران به مثابه سرزمینی با تاریخ چند هزار ساله باشد، نماد ایران در چارچوب روایت تاریخی و سیاسی جمهوری اسلامی است؛ و همین جا است که هر گونه اعتراض به حکومت، ناچار به امتناع از سرود گره می خورد.

از این نظر، طبیعی است کسانی که به جمهوری اسلامی اعتقادی ندارند، به ادای احترام به سرودی هم که نامش را یدک می‌کشد، اعتقادی نداشته باشند. حتی اگر بعضی از همین افراد در سایهٔ همین نظام زندگی و رشد کرده، پول و جایگاهی برای خود ساخته باشند. اما به هر دلیلی حالا مخالفند و مخالفت خود را مثل عادل فردوسی‌پور و علی دایی، در عدم همراهی با سرود ملی اعلام می‌کنند. اما طبیعی بودنِ یک مخالفت، آن را در هر شرایطی موجه نمی‌کند. در کنش این افراد، مرزهای مخالفت با حکومت با فضایلی مانند وطن‌پرستی، غیرت و خیانت در می‌آمیزد و هزینهٔ این آمیختگی را نه حاکمیت، بلکه خودِ ملت می‌پردازد. چون وقتی کشور مورد حملهٔ دشمن قرار می‌گیرد، سکوت این افراد، سکوت در برابر دشمن خوانده می‌شود، نه سکوت در برابر حکومت. وقتی کودکان بی‌گناه مدرسه‌ای در میناب هدف آزمایش موشکی دشمن متجاوز قرار می‌گیرند، جنگ را جنگ حکومت می‌دانند و سکوت می‌کنند. و حتی وقتی جوانان کشور در میادین علمی و بین‌المللی زیر پرچم ایران افتخارآفرینی می‌کنند، اگر نگوییم ناراحت می‌شوند، بی‌تفاوت‌اند؛ چون پرچم و جوانان را متعلق به جمهوری اسلامی می‌دانند و نه وطن. و همین است که ماجرا را تراژیک می‌کند.

شاید درس این ماجرا همین است که مخالفت هم شیوه دارد. آیا مخالفی که در برابر سرود ساکت است و همچنین در برابر حمله به وطن و کشتار کودکان بی گناه هم ساکت است، مخالف خوانده می‌شود یا همدست؟ تفکیک این دو نه وظیفه ی اخلاقی مخالفان، بلکه شرط ماندگاری اعتراضشان است و تنها راهی است که دو قطبی را تغذیه نکند و صدایشان از دیوارهای حکومت عبور کند.

راه عبور از این تراژدی، به همان اندازه که بر عهده حاکمیت است – که باید دست از مصادره نمادهای ملی بردارد – بر عهده مخالفان هم هست، چراکه دفاع از وطن، ربطی به دگرگونی نظام‌های سیاسی ندارد.

توان موشکی ایران، تهدیدی جدی برای اروپا

***عاطفه پیرایش دانشجوی دکتری فاسفه**



رئیس جمهور امریکا در تازه ترین اظهارنظر خود در مورد ایران مدعی شد که اگر مانع دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای نشده بود، اسرائیل و سراسر خاورمیانه امروز وجود نداشتند. اما وقتی به سیر حوادث نگاه می کنیم، می بینیم که پیش از حمله ی امریکا و اسرائیل، جز تعداد معدودی، کسی در کشور ما از تلاش برای ساخت سلاح هسته ای سخن نمی گفت اما پس از حمله ای که ترامپ و نتانیاهو ترتیب دادند، تندروهای کشور، کارزاری به راه انداختند و خواستار ساخت سلاح هسته ای در ایران شدند.

در نظر تحلیل گران اصول گرا این نکته بدیهی است که ایران توان لازم برای ساخت سلاح هسته ای را دارد و تنها مانع، ملاحظات دیپلماتیک و سیاسی و اختلاف نظرهای داخلی است. عده ای می گویند استدلال مخالفان توسعه توان هسته ای در کشور این بود که افزایش حساسیت های بین المللی نسبت به توان هسته ای ایران ممکن است باعث حمله ی امریکا به کشورمان شود اما همکاری ایران با آژانس بین المللی اتمی یا پیوستن به معاهده های بین المللی نتوانست مانع حمله ی امریکا شود و اساسا دیگر دلیلی برای اجتناب از ساخت سلاح هسته ای وجود ندارد.

این دسته استدلال آشفته ای دارند و از این رو، بازنویسی آن به شیوه ای منطقی چندان آسان نیست اما هر چه هست امروز در ایران، تندروها ساخت سلاح هسته ای را مشروع، موجه و مطلوب می دانند و آن را تنها راه ایجاد بازدارندگی در مقابل حمله های احتمالی آتی معرفی می کنند.

بدین ترتیب، ترامپ نه تنها مانع دستیابی ایران به سلاح هسته ای نشده که دست جمهوری اسلامی را نیز در ساخت سلاح هسته ای گشوده است. این مدعای او شبیه به ادعای تغییر رژیم در ایران است که هیچ نسبتی با واقعیت ندارد.

برخی از چهره های سیاسی در ایران باور دارند که ایران می تواند کار اسرائیل را تمام کند. علاوه بر آن، ایران دامنه ی اثرگذاری خود را گسترش داده و حالا بر این نکته تاکید می کنند که ایران می تواند در صورت لزوم، پایگاه های امریکایی در اروپا را نیز هدف قرار دهد.

این رویکرد، در داخل ایران تازگی دارد؛ هر چند پیش از این برخی از سیاستمداران اروپایی ادعا می کردند که توان موشکی ایران تهدیدی جدی برای اروپا است.

بدین ترتیب، ترامپ موفق شد جمهوری اسلامی را از تهدیدی بالقوه به تهدیدی بالفعل برای غرب تبدیل کند.

مسئله دموکرات های امریکایی نیز دیگر این نیست که ترامپ با ایران توافق کند و به جنگ پایان دهد. مسئله این است که مطابق تحلیل این دسته حالا ایران قدرتی در منطقه به دست آورده است که سالها خود را برای آن آماده می کرد. بدین ترتیب، غرب چاره ای ندارد جز اینکه رفتار خود را در مقابل ایران تغییر دهد.

توان موشکی ایران از ۳۰۰ کیلومتر به نقطه‌زنی در برد ۲ هزار کیلومتر رسید



مشاور عالی فرمانده نیروی هوافضای سپاه با تشریح روند شکل‌گیری و توسعه توان موشکی جمهوری اسلامی ایران گفت: برد موشک‌های کشور که در دوران دفاع مقدس حدود ۳۰۰ کیلومتر بود امروز به حدود ۲ هزار کیلومتر با قابلیت نقطه‌زنی رسیده است دستاوردی که حاصل خودباوری، تلاش متخصصان داخلی و تداوم مسیر بنیان‌گذاری‌شده از سوی شهید طهرانی‌مقدم است.

سردار علی بلالی در این مراسم با تشریح روند شکل‌گیری توان موشکی جمهوری اسلامی ایران، شهید طهرانی‌مقدم را از چهره‌های محوری در بنیان‌گذاری و توسعه این ظرفیت راهبردی دانست و اظهار کرد: رهنمود امام خمینی(ره) مبنی بر باور به توانایی‌های داخلی و تأکید بر اینکه «ما می‌توانیم»، مبنای حرکت جوانانی قرار گرفت که در دشوارترین شرایط، مسیر دستیابی کشور به فناوری موشکی را آغاز کردند.

وی با اشاره به شرایط دوران دفاع مقدس و محدودیت‌های ایران در پاسخ متقابل به حملات موشکی رژیم بعث عراق افزود: در آن مقطع، گروهی از نیروهای متخصص برای فراگیری آموزش‌های موشکی به سوریه اعزام شدند و تعدادی موشک اسکاد نیز از لیبی خریداری شد؛ با این حال، نگاه شهید طهرانی‌مقدم صرفاً به استفاده از تجهیزات محدود نبود و او بر شناخت سامانه‌ها، عیب‌یابی و دستیابی به دانش فنی تأکید داشت.